

خانواده و پیشگیری از روابط ناسالم دختر و پسر

محبوبه جوکار^۱

چکیده

ارایه راه‌های برون‌رفت از معضل روابط ناسالم دختر و پسر که امروزه با تأثیرپذیری از فرهنگ غیر دینی بر جامعه اسلامی تحمیل شده است، از مباحث مهمی است که ذهن کارشناسان و صاحب‌نظران را به خود مشغول نموده است. بررسی این مسئله، از آن روی اهمیت دارد که گسترش چنین روابطی افزون بر وارد کردن آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر جسم، روح و روان نوجوان و جوان و سایه انداختن بر موفقیت او و آینده‌اش، میان خانواده را نیز در معرض خطر قرار داده، در نتیجه روزبه‌روز جامعه را به سمت انحطاط و نابودی پیش می‌برد. اکنون این پرسش مطرح است که به راستی، راه‌های برون‌رفت از این معضل چیست؟

بی‌تردید برای حل چنین مشکلی، نیازمند نگاه خرد و کلان به قضیه بوده، بر این باوریم برای از میان برداشتن این‌گونه معضلات، مساعدت فرد، خانواده، جامعه، دولت، نهادهای متولی امور دینی و فرهنگی و صاحبان هنر و رسانه لازم است.

در این مقاله، تلاش شده به بررسی راهکارهای حذف این نوع روابط در بخش وظایف، خانواده، جامعه، حکومت و دولت اسلامی، نهادهای متولی تربیت دینی-اسلامی و صاحبان هنر و رسانه بپردازیم. رجوع به منابع تفسیری، روایی، تربیتی، روان‌شناسی و... می‌تواند یاری‌گر ما باشد.

کلید واژه: روابط، دختر، پسر، معضل، راهکار.

۱. کارشناسی ارشد رشته علوم تفسیر و قرآن، پژوهشگر پژوهشگاه حضرت معصومه (علیها السلام) تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۵

بی‌شک برای حل هر مشکل فردی یا اجتماعی، راهکارهایی وجود دارد که با تدبیر و اندیشه و پشت سر گذاشتن آن راه حل‌ها می‌توان به سلامت از موانع و مشکلات عبور نمود. مشکلات اجتماعی، همان‌گونه که چندعاملی‌اند و ترکیب عوامل مختلف باعث به وجود آمدن آنها می‌شود، حل آنها نیز نیازمند پیوند عوامل مختلفی است و بی‌توجهی به رفع این معضلات و ناهنجاری‌های اخلاقی - اجتماعی، به تدریج باعث فروپاشی جامعه خواهد شد. سنت الهی این است که رخوت و سستی و راضی بودن به کج‌رفتاری‌های اخلاقی و اجتماعی، جامعه را نابود خواهد کرد و خداوند، قوم دیگری را جایگزین آنها می‌کند:

يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه اذلة علي المؤمنين اعزة علي الكافرين يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم. (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیبایی نمی‌رساند و) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند.

بنابراین برای حل معضلی مانند روابط ناسالم دختران و پسران نوجوان و جوان که امروز، بیش از پیش گسترده شده است، لازم است به راهکارهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و همچنین نقش دولت و حکومت اسلامی، نقش نهادهای دینی، فرهنگی و آموزشی، هنرمندان و رسانه‌ها توجه شود. با عنایت به جایگاه مهم و کلیدی «خانواده»، ابتدا به راهکارهای خانوادگی اشاره می‌شود.

راهکارهای خانوادگی

طبق آیه شریفه:

يا ايها الذين امنوا قوا انفسكم و اهليكم نارا و قودها الناس و الحجارة. (تحریم: ۶)
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگه دارید.

و حدیث امام علی علیه السلام: «کل امرئ مسئولٌ عمّا ملکت یمینه و عیاله؛ هر مردی درباره مملوکان و

خانواده خود بازخواست می‌شود» (آمدی، ۱۳۸۳، ۴۰۵)، خانواده در تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد. در این بخش، تلاش بر آن است که به مهم‌ترین وظایف خانواده در پیشگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی اشاره شود. بدیهی است نقش خانواده در این زمینه و تأثیر والدین بر فرزندان، بیش از آن است که در اینجا گفته می‌شود.

الف. ایجاد فضای محبت و احترام

در آموزه‌های دینی ما، به چگونگی رابطه همسران با یکدیگر، توجه ویژه‌ای شده است و برای هر یک از آنان، حقوق و تکالیفی معین شده که تلاش برای ایجاد رابطه صمیمی و محبت‌آمیز همراه با رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر، یکی از آن حقوق است. این همه سفارش درباره ازدواج، خانواده، نوع برخورد زن و شوهر با هم و... در روایات - برای نمونه دو جلد از کتاب ارزشمند *وسائل الشیعه* - بدان دلیل است که خانواده و به ویژه پدر و مادر، در شکل‌گیری شخصیت فرزند و تثبیت خلق و خوی او در کودکی و بزرگسالی و به طور کلی، در سعادت یا شقاوت او، نقش مهم و مؤثری دارند. از این رو، در قرآن کریم آیات متعددی در مورد ازدواج و خانواده آمده که از جمله آنها می‌توان به سوره نساء، آیه ۱۹ «...و عاشروهنّ بالمعروف» و آیات دیگری (ر.ک: نساء: ۲۵؛ طلاق: ۲) که به مردان برای برخورد پسندیده و نیکو با همسرانشان سفارش می‌کند، اشاره نمود. احادیثی نیز هست که نگاه مهربان زن و شوهر به یکدیگر را موجب نشاط آنان می‌داند. (حر عاملی، ۱۳۷۴، ۳۷/۱۴) احادیث دیگری، از تأثیر ابراز محبت زن و شوهر به هم، در آنها و به دنبال آن در فرزندانشان سخن گفته است.

بنابراین دریافت محبت لازم از سوی همسر و رعایت احترام و شخصیت او باعث ایجاد فضای گرم و صمیمی در خانه می‌شود که افزون بر ایجاد حس رضایت‌مندی و آرامش و نشاط در زن و شوهر، فرزندان را نیز از سرچشمه این محبت سیراب می‌نماید. به گفته شهید مطهری: مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاه‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهستان نبارد یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاه‌ها می‌میرند. پس همان طوری که رکن حیات دشت و



صحرا، باران و بالأخص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی، احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است. از این عواطف است که هم زندگی زن و هم زندگی فرزندان، صفا و جلا می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۸۵، ۲۵۶)

بی‌تردید، اگر فرزندان در خانواده به میزان کافی محبت دیده باشند و نیاز عاطفی آنها در خانواده تأمین شده باشد، این رابطه محبت‌آمیز و صمیمانه از سویی سبب می‌شود «راز» هایشان را پیش از هر کس، با پدر و مادر خود در میان بگذارند تا این راهنمایان صمیمی و مشاوران دلسوز و مورد اعتماد، نقش ارشادی خود را در زندگی فرزندان ایفا کنند و در مواقع نیاز و در لحظات بحرانی در کنار فرزندانشان باشند. از سوی دیگر، رابطه صمیمانه پدر و مادر، در آرامش روحی و فکری فرزندان بسیار مؤثر خواهد بود. بنابراین احساس نیاز یا کمبود نمی‌کنند تا برای جبران آن، ناخواسته در دام روابط نادرست با جنس مخالف و یا دوستی‌های ناسالم گرفتار شوند. از این رو، برای محافظت از فرزندان در برابر ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی، نیاز به تذکرهای پی‌درپی، نظارت محسوس و نادرست، امر و نهی‌های خسته‌کننده و... نیست. نخستین و مهم‌ترین مانع در برابر کج‌اندیشی و کج‌رفتاری نوجوانان و جوانان، پرورش آنان در خانواده‌ای سرشار از محبت، صمیمیت و پایبندی به اصول اخلاقی و اسلامی است.

ب. اختصاص زمان برای تبادل نظر با جوان

ارتباط سالم والدین با فرزندان، کمک بزرگی به شکل‌گیری شخصیت پایدار و سالم آنها می‌کند. این ارتباط هرچه بیشتر باشد، فرزند را پخته‌تر و بانگیزه‌تر می‌سازد. به گفته برخی بزرگان:

یک انسان هر چند نابغه و از نوادر هم باشد، اگر در اجتماع ریشه نزند و با دیگران ارتباط پیدا نکند، تدریجاً خشک می‌شود و از بین می‌رود. تمام انسان‌ها مانند گیاهانی هستند که در زمین یکدیگر ریشه می‌زنند و از همدیگر تغذیه می‌نمایند؛ مثلاً مادران در فرزندان ریشه دارند و فرزندان نیز در مادران. وقتی این دو را از همدیگر جدا کنی، هر دو پژمرده و آشفته‌حال می‌شوند. این ریشه‌ها و محبت‌ها یک ارتباط قلبی است.... تربیت فرزندان همیشه با نصیحت و پند و اندرز نیست، بلکه برقرار کردن ارتباط‌های سالم و مفید، بیشتر از پند و اندرز در کودکان تأثیر مثبت دارد. (حائری شیرازی، ۱۳۸۷)

این ارتباط برای نوجوان و جوان - به دلایلی چون شکل‌گیری هویت - اهمیت بیشتری دارد. پدر و مادر موظف‌اند دوستانه، زمان مشخصی را برای گفتگو و نظرخواهی از فرزندان خود اختصاص دهند تا فرزندان نیز بتوانند به آسانی مشکل، نظر، اندیشه و باور خود را در مورد مسایل گوناگون با آنان در میان بگذارند. گفتگوی حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام در سوره صافات، آیه ۱۰۲ و حضرت یعقوب علیه السلام در سوره یوسف آیات ۹۷ تا ۹۹ با فرزندان‌شان، نمونه قرآنی این گفتگوها است. بنا به گفته بعضی کارشناسان مسایل تربیتی:

در زندگی امروز، خانواده‌ای که دارای فرزند نوجوان است، نمی‌تواند به این مسئله بی‌توجه باشد. این قبیل خانواده‌ها باید شرایطی را فراهم آورند که فرزندان بتوانند به آسانی افکار و تمایلات خویش و مشکلات و تعارضات خود را با والدین و حتی با برادران و خواهران خویش در میان بگذارند. خانواده‌ای که نوجوان در آن احساس بیگانگی و تنهایی می‌کند و کسی را به عنوان هم‌راز و هم‌سخن و هم‌کلام نمی‌یابد، نمی‌توان آن را خانواده مطلوبی به لحاظ تربیتی به شمار آورد. (احمدی، ۱۳۷۸، ۸۹)

نتیجه اینکه اگر خانواده، این وظیفه را به درستی انجام ندهد، فرزندان از حوزه کشش خانواده خارج می‌شوند و در معرض جذب عوامل محیطی قرار می‌گیرند و چه بسا به سادگی، راه انحراف در پیش گیرند، ولی زمانی که فرزندان با خانواده پیوندی محکم دارند، از بسیاری آفت‌ها و روابط ناسالم در امان می‌مانند.

ج. بهبود بینش جوان

دادن بینش از روش‌های تربیتی قرآن است. در این روش، آگاهی انسان دگرگون می‌شود و دگرگونی در بینش، از لوازم تغییر رفتار است. کلمه «بینش» (بصیرت)، انطباق کامل معنایی با کلمه «آگاهی» (علم) ندارد. هر آگاهی‌ای، بینش نیست. بینش، نوعی آگاهی ژرف است که آدمی را با واقعیت مورد نظر پیوند می‌دهد، ولی آگاهی، ممکن است سطحی، کم‌دامنه و در نتیجه، گمراه‌کننده باشد. بر این اساس، خداوند گاه منحرفان را «آگاه» می‌داند، ولی همواره «بینش» آنان را نفی می‌کند (باقری، ۱۳۷۴، ص ۷۵) و در سوره روم آیه هفتم می‌فرماید: «یعلمون ظاهراً من الحیوة الدنیا؛ آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند».

این شیوه تربیتی، هم در جامعه و برای دعوت افراد به حق و حقیقت کاربرد دارد و هم در خانواده از روش‌های مهم و مؤثر در تربیت فرزندان است. بنابراین، فقط آگاه نمودن نوجوان و جوان از مسایل و جنبه‌های مختلف زندگی کافی نیست، بلکه این آگاهی باید ژرف و گسترده باشد. اگر فرزندان به گونه‌ای تربیت شوند که خوب را از بد، سالم را از ناسالم و مفید را از مضر جدا کنند، به بینش و بلوغ فکری دست یافته‌اند؛ یعنی می‌توانند صلاح و فساد خود را نیز تشخیص دهند. بنابراین با اجرای کامل و صحیح این روش تربیتی، نیاز به یادآوری پی‌درپی مسایل، نظارت نادرست و... نیست؛ زیرا نوجوان و جوان خود به این درک و بینش رسیده که بداند در ارتباط‌های فردی و اجتماعی چگونه عمل نماید.

پندهای حکیمانه لقمان حکیم به فرزندش در سوره لقمان و پندهای حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، نمونه‌هایی قرآنی از اعطای بینش به فرزندان است. بالا بردن بینش نوجوان و جوان در مورد برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف در چند محور قابل بررسی است:

یکم. بسنده نکردن نوجوان و جوان به روابط نخستین و سطحی

یکی از مباحث امروزی در ارتباطات، بحث ارتباطات میان فردی است که اصول و ویژگی‌هایی دارد. برای رعایت اختصار، یکی از آنها بررسی می‌شود. بر اساس اصل «توسعه و تداوم روابط در ارتباط میان فردی»، ارتباط فقط برای انتقال معانی انجام نمی‌پذیرد، بلکه به تولید معانی و مبادله شناخت‌های دیگر نیز منتهی می‌شود. دختر و پسری که با هم صحبت می‌کنند، هم‌زمان با بیان انتظارات، شکل برخورد با یکدیگر را نیز می‌آموزند و سطح دوستی خود را (ساده یا عاشقانه) به دست می‌آورند. آنها می‌آموزند که چگونه همدیگر را راضی نگه دارند و اختلاف موجود را حل کنند. بنابراین ارتباط‌های انسانی ایستا نیست و نمی‌توان گفت این ارتباط تا چه سطحی پیش می‌رود. (زینتی، ۱۳۸۳، ۹۸)

اظهار محبت به جنس مخالف و برقراری رابطه با او، از همین موارد است که با سلام و احوال‌پرسی ساده و کوتاه و با انگیزه‌ای آموزشی و... آغاز می‌شود، ولی به تدریج نوع رابطه و گفتگو تغییر می‌کند، مدت زمان آن بیشتر می‌شود و گاه تا جایی پیش می‌رود که تمام توان و زمان جوان برای حفظ این رابطه و گفتگو هزینه می‌شود و چون گستره و تداوم این

ارتباط در اختیار او نیست، چه بسا تا مرزهای پیش‌بینی نشده و گاه ناشناخته پیش برود که دو طرف انتظار آن را نداشتند و خود را برای آن آماده یا لوازم آن را فراهم نکرده بودند. بی‌توجهی به این امور، بسیاری از دختران و پسران را از این ارتباط، پشیمان می‌کند.

مرحوم علامه طباطبایی در *المیزان*، ذیل آیه:

... فانكوهنّ باذن اهلهنّ و اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیرمسافحات

و لامتخذات أخذان. (نساء: ۲۵)

... آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند.

می‌فرماید:

کلمه «اخذان» جمع «خدن» است که به معنای «دوست» و مذکر و مؤنث و مفرد و جمعش یکسان است؛ یعنی هم به دوست مذکر «خدن» گفته می‌شود و هم به دوست مؤنث. هم به جماعت دوستان خدن گفته می‌شود و هم به یک فرد و اگر در مورد بحث به صیغه جمع آمده، برای این بود که در دلالت بر کثرت و زیادی تصریح داشته باشد و بفهماند وقتی کسی به منظور فحشا و زنا کردن دوستی می‌گیرد به او و مثل او قناعت نمی‌کند؛ چون نفس آدمی حریص است. اگر قرار باشد خواست نفس را برآورد و آن را اطاعت کند، حتماً دوستان زیادی برای فحشا می‌گیرد. (طباطبایی، بی تا، ۴/ ۲۷۸)

اگر جوان به این واقعیت آگاه شود، هرگز به سوی چنین روابطی گام برنمی‌دارد و به یقین، والدین باید این بینش را در او ایجاد کنند.

دوم. تبیین انگیزه برقراری روابط

در بررسی انگیزه دختر و پسر از برقراری روابط ناسالم به این نتیجه می‌رسیم که اگرچه اهدافی مانند کنجکاو، سرگرمی، پرکردن وقت‌های خالی، کمبود محبت، انتقام گرفتن از جنس مخالف و شناخت بیشتر برای ازدواج مطرح می‌شود، ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که دختران در قوای عاطفی و خلقی بسیار حساس‌تر و هیجان‌پذیرترند. به همین دلیل به زودی دل‌باخته می‌شوند. بیشتر دخترانی که فریب می‌خورند و سقوط می‌کنند، برای فرونشاندن میل جنسی تسلیم جنس مخالف نمی‌شوند، بلکه به دلیل زودباوری، حس

محبت، دوستی و فداکاری است که به این رابطه کشش پیدا می‌کنند. برخی بر این باورند که هدف دختران از برقراری این نوع روابط، ارضای نیاز عاطفی، جلب محبت جنس مخالف و یا محبت کردن به اوست، ولی ابراز علاقه و عشق پسران به دختران، در وهله اول از روی انگیزه جنسی و تسکین حس شهوانی است. (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶، ۴۱) شاید علت این تفاوت نگاه را بتوان در تفاوت‌های زن و مرد جستجو کرد که به گفته شهید مطهری:

مرد، بنده شهوت خویشتن است و زن، در بند محبت مرد است.... مرد می‌خواهد شخص زن را تصاحب کند و در اختیار بگیرد و زن می‌خواهد دل مرد را مسخر کند و از راه دل او بر او مسلط شود. (مطهری، ۱۳۸۵، ۱۶۵)

آگاهی دختر از هدف و انگیزه پسر، به او کمک خواهد کرد تا از چنین روابطی پرهیز کند؛ زیرا آگاهی او از هدف پسر برای برقراری این ارتباط، برای دختر بسیار تلخ و ناگوار خواهد بود و هیچ‌گاه به دنبال برقراری چنین روابطی نخواهد بود. مسئولیت این آگاهی‌بخشی، ابتدا بر عهده خانواده است.

سوم. قطع جریان سودرسانی

اصولاً برقراری ارتباط با دیگران با انگیزه رسیدن به اهداف مورد نظر است که این اهداف ممکن است مادی- معنوی و یا روحی- جسمی و... باشد. برقراری ارتباط با دیگران گاه به علت ترس از آنها است و گاهی مبتنی بر طمع است؛ به این معنا که علت ارتباط، تأمین نیاز و کسب سود است. چنین رابطه‌ای برای تطمیع، فراخوانده می‌شود و هدفش، رسیدن به خواسته‌های مورد نظر است و تا زمانی پایدار می‌ماند که خواسته‌های فرد تأمین شود. با پایان یافتن سودرسانی، رابطه نیز قطع می‌شود و شکایت و بدگویی و ناسپاسی آغاز می‌شود. این قاعده در دوستی‌های دختران و پسران جوان نیز به روشنی پیدا است. (پسندیده، ۱۳۸۳)

چهارم. جلوگیری از گزینش صحیح همسر

این نوع روابط، چون بر اساس عشق سطحی و وابستگی به یکدیگر ایجاد شده است، مانع گزینش صحیح و دقیق همسر آینده خواهد شد؛ چراکه وجود این علاقه، مانع دیدن عیب‌های طرف مقابل خواهد شد و وقتی کسی در فرد مورد علاقه خود فقط نیکی‌ها و خوبی‌ها را

می‌بینند، ضعف‌ها و عیب‌های او مخفی می‌ماند. به فرموده امام علی علیه السلام: «عین‌المحب عمیة عن معایب‌المحبوب و اذنه صماء عن قبح مساویه؛ چشم عاشق از دیدن عیب‌های معشوق کور است و گوش او از شنیدن زشتی‌هایش، کر» (آمدی، ۱۳۸۳، ۴۸۱). چنین فردی، پس از ازدواج و فروکش کردن جوشش احساسات و عواطف و غرایز، کم‌کم به زشتی‌ها و کژی‌های طرف مقابل پی می‌برد و متوجه نامناسب بودن آن فرد برای همسری می‌شود که این آگاهی دیگر برای او ثمری ندارد.

پنجم. دست نیافتن به خوشبختی در ازدواج

اگرچه شماری از این دوستی‌ها به ازدواج منجر می‌شود، ولی این همسران دوره کوتاهی در کنار هم احساس خوشبختی می‌کنند و در بیشتر موارد، خوشبختی آنان چندان پایدار نمی‌ماند و با گذشت زمان، بدبینی و بدگمانی بر زندگی آنها سایه می‌افکند و ممکن است به طلاق و جدایی نیز منجر شود. والدینی که خود، ارتباط این‌چنینی با یکدیگر داشته‌اند، هم نسبت به همسر خود همواره بدگمان‌اند و هم بر فرزندان خود نظارت نامتعارف و خسته‌کننده‌ای دارند.

ششم. سرچشمه داشتن این روابط در حس حقارت

گاهی برقراری چنین روابطی، ناشی از احساس حقارت در وجود نوجوان و جوان است. اگر نوجوان و جوان احساس کرامت و ارزشمندی نماید، هرگز خود را اسیر چنین روابطی نمی‌نماید. روابط و رفتارهایی این‌چنین، ریشه در احساس حقارت دارد. کسی که در ژرفای وجود خود، خویشتن را موجودی خوار و بی‌مقدار می‌داند، در پی آن است که این حقارت را از خود دور سازد و به‌گونه‌ای خود را مطرح نماید. در این موارد، وظیفه پدر و مادر این است که فرزند خود را متوجه ارزش انسانی خویش کنند و تاج کرامتی که خداوند بر سر او نهاده و مفتخر به «اشرف مخلوقات» اش کرده، به او یادآوری کنند. در شماری از آیات قرآن، با عبارات مختلف، کرامت انسان یادآوری شده است که از آن جمله می‌توان به این آیه اشاره نمود:

و لقد کرمنا بنی ادم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فصلناهم

علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا. (اسراء: ۷۰)



ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهسوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم....

پس بر پدر و مادر لازم است فرزندان را که گاه به دلیل درگیری درونی و بیرونی، نگرانی و اضطراب و یا مظاهر زندگی مادی امروز و هنجار جلوه دادن ناهنجارها، در خود احساس حقارت و کوچکی می‌کنند، متوجه کرامت ذاتی خود نموده، به آنها گوشزد نمایند کسی که به کرامت و ارزش انسانی خود آگاه است، به سمت آلودگی‌ها و روابط ناسالم نمی‌رود؛ چراکه به فرموده امام علی علیه السلام: «من کرم علیہ نفسہ هانت علیہ شهواته؛ هر کس را نفس، کریم و بزرگوار شد (خود را ارجمند دانست)، شهوت‌هایش نزد او خوار می‌گردد (از آن پیروی نمی‌کند)» (نهج البلاغه، ج ۴۴۱). چنین کسی خود را به «ثمن بخش» نمی‌فروشد: «إِنَّهُ لَيْسَ لَانْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ برای جان‌های شما بهایی جز بهشت نیست. پس خود را به غیر از بهشت مفروشید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸/۱۳).

نکته مهم دیگر این است که والدین، افزون بر توجه دادن نوجوان و جوان به کرامت و ارزش وجودی خود، موظف‌اند زمینه بروز و پرورش استعداد‌های او را در عرصه‌های مختلف نیز فراهم نمایند. او با درخشش در میادین گوناگون و بروز استعداد‌هایش، نیازی به مطرح نمودن خود و جبران کمبودهایش با روابط ناسالم ندارد.

د. اهتمام به تربیت و تقویت باورهای دینی و مذهبی

افراد، به میزان بر خورنداری از تعلیم و تربیت دینی و پایبندی به وظایف دینی، تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌شان نیز در زندگی اجتماعی دینی است و میزان لغزش و انحراف آنها نسبت به دیگر افراد، پایین‌تر است. نخستین نهادی که این باورها و نگرش‌ها را در افراد تقویت می‌کند، خانواده است که بر اساس حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «کل مولود یولد علی الفطرة فابواه یهودانه او ینصرانه او یمجسانه؛ هر فرزند بر فطرت الهی متولد می‌شود و والدین هستند (!) که او را یهودی یا مسیحی یا زرتشتی می‌گردانند» (صدوق، ۱۴۰۴، ۵۰/۲).

اگرچه انسان اراده و اختیار دارد و در تعیین سرنوشت خود، خیر باشد یا شر، نقش اساسی دارد، ولی این حدیث، بیانگر تأثیر بسیار زیاد خانواده بر افراد است. از آنجا که شناخت خداوند

و گرایش به او فطری است، انسان عاقبت به امر خداوند گردن می‌نهد و به او شناخت پیدا می‌کند. والدین موظفاند با تربیت صحیح کودک، فطرت او را بیدار نموده و او را به سمت خداجویی و کمال‌یابی سوق دهند.

با اندک دقتی در دستورالعمل‌های دینی تربیت فرزند، روشن می‌شود که تربیت دینی، امری تدریجی است و باید کم‌کم انجام شود؛ یعنی والدین، بر اساس دستورهای اسلامی، باید پیش از ازدواج برای تربیت فرزند اقدام نمایند که این کار، همان توجه فرد به ملاک‌های معین شده دین در انتخاب همسر شایسته است؛ برخلاف تصور برخی که گمان می‌کنند باید از سن تکلیف و یا پیش از آن اقدام به تعلیم و تربیت دینی فرزندان نمود.

بنابراین توجه دادن به خدا و آموزش‌های دینی به فرزندان باید تدریجی باشد و هر یک، وقت معینی دارد که اگر در زمان مناسب خود آموخته شود، اثرهای نیکو بر جای می‌گذارد و تعلیم قبل و بعد از زمان مناسب، بازدهی لازم را نداشته، باعث کم‌اثر بودن یا بی‌نتیجه ماندن این آموزش‌ها خواهد شد. به همین دلیل است که در حدیثی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که عبدالله بن فضاله آن را روایت کرده، وارد شده که فرمودند:

وقتی پسر به سن سه سالگی رسید، به او پیاموند که هفت مرتبه «لا اله الا الله» بگوید. پس او را آزاد گذارند تا سن او به سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. آنگاه به او آموزش دهند که «محمد رسول الله» بگوید. سپس آزادش بگذارند و چون به چهار سالگی رسید، هفت بار بگوید: «صلی الله علی محمد و آله». باز رها شود تا به سن پنج سالگی برسد. در این هنگام به او بگویند دست راست و چپ تو کدام است؟ پس اگر دست راست و چپ را از هم تشخیص داد، صورتش را به سوی قبله برگردانده و به او گفته شود سجده کن و همچنین آزاد گذارده شود تا اینکه به سن شش سالگی برسد. پس اگر شش سال بر او گذشت، نماز بخواند و رکوع و سجود به او تعلیم گردد تا اینکه هفت سال او تمام شود. در این زمان به او گفته شود صورت و دو دستش را بشوید و نماز بخواند. سپس رها شود تا اینکه نه سالش تمام شود. در این سن، وضو را به او یاد دهند و در صورت سهل‌انگاری او را تنبیه کنند و به نماز دستورش دهند و بر سستی کردن به خواندن نماز تنبیه شود. پس اگر وضو و نماز را یاد گرفت، خداوند پدر و مادر آن طفل را مورد رحمت و غفران خویش قرار خواهد داد. (حر عاملی، ۱۳۷۴، ۱۵/۱۹۳)

طبق این حدیث و احادیث دیگری که در این زمینه وارد شده، آموزش دینی، تدریجی



است و هم‌زمان با آموزش، به تربیت عملی فرزند نیز توجه شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
 الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین. (حر عاملی، ۱۳۷۴،
 (۴۷۶/۲۱)

فرزند، در هفت سال اول عمر، سید و آقا است و در هفت سال دوم، بنده و مطیع
 و در هفت سال سوم، وزیر و مسئول و طرف شور است.

بنا بر این سخن گهربار، فرزند باید سه مرحله سیادت، اطاعت و وزارت را به خوبی پشت سر
 گذارد تا با ایمانی مبتنی بر بینش و باورهای دینی - مانند اعتقاد به مبدأ و معاد و هدفمند
 بودن آفرینش - رشد نماید و دارای ملکه تقوا و خویشتن‌داری شود. در این صورت است که
 می‌تواند در مقابل خواسته‌های نفسانی‌اش بایستد و بر هوای درون خود که او را به سمت
 کج‌روی‌های اخلاقی می‌کشاند، چیره شود؛ چراکه خمیرمایه شخصیت او با شیوه صحیح
 تربیت دینی و اعتقادی، عجین شده است.

با این استدلال، می‌توان به جرأت گفت بسیاری از رفتارهای بهنجار یا نابهنجار نوجوان
 و جوان، ریشه در تربیت دوران کودکی دارد. در مورد رابطه دختر و پسر نیز چنین است؛
 تقویت روحیه خویشتن‌داری در فرزندان و الزام آنان به حفظ عفت و حیا و رعایت حریم‌ها،
 تأثیر زیادی در بازدارندگی از ایجاد روابط ناسالم در نوجوانی و جوانی دارد. به فرموده
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «اکرموا اولادکم و احسنوا اداہم یغفر لکم؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را
 خوب تربیت کنید (که به این ترتیب) آمرزیده شوید» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ۴۷۶/۲۱).

توجه به زندگی امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام که در تربیت فرزندان
 شایسته و توجه به تربیت روحی و روانی فرزندان خود، خانواده‌ای موفق بودند، راهگشا است.
 از امام علی علیه السلام، پدر اسوه و نمونه، میراث تربیتی فراوانی باقی مانده است که مفصل‌ترین و
 ارزشمندترین آنها، نامه سی و یکم نهج البلاغه است. این نامه، منشور تربیتی کامل و جامعی
 برای همه مربیان، به ویژه پدران و مادران دلسوزی است که همانند امام، به وجود رابطه بین
 سعادت و شقاوت خود و فرزندان، باور راسخ دارند. امام علیه السلام در این نامه به فرزندش، امام
 حسن علیه السلام فرموده:

وجدتك بعضی بل وجدتك کُلّی حتی کأنّ شیئاً لو اصابک اصابنی. (نهج البلاغه،

تو را جزیی از خود، بلکه همه خود یافتم تا حدی که هر چه به تو اصابت کند، گویا به من نیز اصابت می‌کند.

حضرت در قسمت دیگری از این وصیت‌نامه اخلاقی- تربیتی خود، وظیفه پدر دلسوز را توجه ویژه به ادب و تربیت فرزند پیش از جوانی می‌داند:

فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي مُسْتَظْهِراً بِهَ انَا بَقِيَّتِ لَكَ أَوْ فَنَيْتُ. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

و در اندوه افکند مرا کار تو، به طوری که کار خودم مرا در اندوه می‌افکند. پس این نامه را برای تو نوشتم درحالی که به آن، پشت قوی کردم (وصیت‌نامه‌ای که اگر به آن عمل نمایی، خاطرتم آسوده باشد)، اگر باقی باشم برای تو، یا بمیرم.

در جای دیگر، ویژگی تربیت در این دوران را چنین بیان می‌فرماید:

أَنَا قَلْبَ الْحَدَثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا الْقِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ، فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ ان يَقْسُو قَلْبَكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر تخم که در آن افشاندن شود، بپذیرد. پس به ادب نمودن تو پرداختم، پیش از آنکه دلت سخت گردد و عقل و خردت گرفتار شود.

بنابراین، در اندیشه امام علی علیه السلام بی توجهی به تربیت دینی فرزند، از عوامل آسیب‌زا در دین‌گرایی نسل جوان است و والدین باید از خردسالی، توجه کافی به تربیت دینی فرزندان داشته باشند.

هـ آماده‌سازی زمینه استقلال و ابراز شخصیت اجتماعی جوان

یکی از وظایف خانواده برای جلوگیری از عوامل روابط ناسالم، تلاش آنها در فراهم‌سازی زمینه کسب استقلال و ابراز شخصیت اجتماعی برای نوجوان و جوان است؛ چراکه محوری‌ترین گرایش دوره نوجوانی، به دست آوردن استقلال و ابراز خویشتن است. این نیروی فطری در درون انسان قرار داده شده تا در زمان مناسب، نوجوان را به تلاش و شکوفایی استعدادهايش وادارد. رشد این نیرو، ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارد که از مهم‌ترین آنها، انتظار نوجوان برای کودک‌ندانستن او است؛ به شخصیت، فکر و عمل او ارزش دهند، نشان دهند که به او و



تصمیم‌گیری‌هایش اعتماد دارند و می‌دانند که او با آگاهی و فهمی که دارد، تصمیم درستی می‌گیرد، اگرچه نباید خود را از راهنمایی و تجربه پدر و مادر بی‌نیاز بداند.

بنابراین، راهنمایی و هدایت والدین باید به گونه‌ای باشد که فرزندان، هم‌زمان با بلوغ سنی، بلوغ فکری و استقلال خود را نیز به دست آورند. هر برخوردی که نشان دهد اطرافیان، به استقلال و شخصیت او ارزش لازم را نمی‌دهند، واکنش روانی پنهان یا آشکار او را در پی خواهد داشت. گاه ممکن است این واکنش‌ها، شدید باشد و رفتارهای نامناسب اجتماعی از او سر بزند که برقراری رابطه ناسالم با جنس مخالف، یکی از آنها است.

از سوی دیگر، نوجوان و جوان با رشد شخصیت باید به این بینش و آگاهی دست یابد که شخصیت اجتماعی انسان و قدرت و جاذبه اجتماعی او - آن گونه که برخی می‌اندیشند - در هنجارشکنی و انجام کارهای خلاف شرع و عرف مانند بدحجابی، پیروی از «مد»های ناپسند، دوستی با جنس مخالف و... نیست. در این صورت، به کشف استعدادهای درونی خود اقدام می‌کند و در سایه تعادل شخصیت و استقلال اندیشه، می‌تواند با آرامش خاطر، فرصت کنجکاوی، نوآوری و کشف محیط و طرح اندیشه‌های نو را بیابد و از این راه، شخصیت و قدرت اجتماعی خود را آشکار می‌کند. از این رو، بر پدر و مادر لازم است که آزادی‌های عقلی و دینی نوجوان و جوان را محترم شمارند و زمینه دستیابی به زندگی مستقل را برای او فراهم نمایند. این گونه، جوان نیز برای ابراز شخصیت اجتماعی، نیازی به شکستن هنجارها و زیر پا نهادن حریم‌های ارزشی نمی‌بیند. به گفته برخی روان‌شناسان:

برای اینکه نوجوانان و جوانان از شخصیت مستقل، متعادل و متعالی که جوهره شکوفایی وجود و خلافت‌های ذهنی است، برخوردار شوند، باید زمینه‌های تلاش و حرکت آنها را به تناسب رشد شخصیت و تحول ذهنی‌شان فراهم ساخت و موانع پیشرفت آنان را برطرف کرد. (افروز، ۱۳۷۸، ۱۸۸)

و. آموزش مناسب در مورد جنس مخالف

گاه نوجوان و جوان گمان می‌کند جنس مخالف او که اکنون اقدام به دوستی با او نموده، بی‌عیب و نقص و فرشته نجات او است و به همین دلیل، در دام دوستی او گرفتار می‌شود. یکی از وظایف پدر و مادر این است که در فرصت‌های مناسب، درباره واقعیت‌های روحی و رفتاری جنس مخالف، ویژگی‌های دختران و پسران و واکنش مناسب در مقابل این ویژگی‌ها

را به فرزندان بیاموزند. نوجوان و جوان باید بدانند جنس مخالف، همچون خود او، ویژگی‌های مثبت و منفی گوناگونی دارد و با برخورداری از توانایی‌هایی ویژه، ناتوانایی‌هایی نیز دارد. تصویری که نوجوان و جوان از جنس مخالف دارد، نباید با تصویری که از اعضای خانواده خود دارد، چندان متفاوت باشد. چنین شناختی در تصمیم‌گیری و تنظیم روابط درست با دیگران از جمله با جنس مخالف، به او بسیار کمک می‌کند.

ز. آموزش حدود شرعی ارتباط با جنس مخالف

امروزه به دلیل شرایط اجتماعی و وجود آموزش و پرورش، خانواده بخشی از کارکرد خود را در مورد آموزش مسایل دینی و احکام شرعی به نهادهای آموزشی واگذار کرده؛ زیرا برخی والدین گمان می‌کنند مدرسه و معلم باید مسایل دینی و احکام شرعی را به دانش‌آموزان بیاموزد. در نتیجه احساس نیاز به یادگیری این مسایل را نیز در فرزندان خود به وجود نمی‌آورد و همه بار این آموزش‌ها را به عهده مراکز آموزشی می‌گذارد؛ درحالی‌که به فرموده بزرگان دین و از جمله آنها، امام صادق علیه السلام:

الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین. (حر عاملی، ۱۳۷۴، ۱۷/۳۳۱)

پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام پردازد.

اگرچه در این حدیث شریف، لفظ «غلام» به معنای «پسر» آمده، آموزش آموزه‌های دینی ویژگی جنسی ندارد که منحصر در پسر باشد، بلکه شامل دختر نیز می‌شود و آموزش حلال و حرام هم بر پسر و هم بر دختر واجب است؛ همانند خطاب‌های عام قرآن که با لفظ مذکر آمده، ولی شامل مرد و زن می‌شود، همچون آیه شریفه: «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام» (بقره: ۱۸۳)، بدیهی است که وجوب روزه، فقط بر مردها نیست و شامل زنان نیز می‌شود.

به هر روی، یکی از وظایف والدین، آموزش احکام شرعی است که میزان ارتباط با جنس مخالف نیز در همین محدوده قرار دارد و اگر این آموزش به هر دلیلی برای پدر و مادر امکان‌پذیر نیست، باید زمینه یادگیری آن را برای فرزندان فراهم آورند. آموزش این حدود و رعایت آنها، نشانه عقب‌ماندگی و یا محدودسازی فرزندان نیست و بیانگر توجه خانواده به



رفتار اجتماعی است و به هر اندازه که فرهنگ خانواده بالاتر باشد، به ریزه کاری‌ها و دقایق زندگی، از جمله روابط اجتماعی بیشتر اهمیت می‌دهد. البته در رعایت حدود شرعی نیز باید از افراط و تفریط پرهیز شود.

ح. زمینه‌سازی برای ازدواج موفق، آسان و کم‌هزینه

ازدواج و تشکیل خانواده، مطمئن‌ترین راه سلامت و امنیت اخلاقی جامعه است. هنگامی که شالوده خانواده محکم باشد و جوانان، به ازدواج و تشکیل خانواده بپردازند، کج‌روی، سرگردانی، سرکشی، تجاوز جنسی و شیوع بیماری‌های خطرناک جنسی همچون ایدز، بسیار کاهش می‌یابد. از این رو، آموزه‌های دینی، یکی از حقوق فرزند بر پدر را زمینه‌سازی برای ازدواج او می‌داند و رهبر جامعه مسلمین، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

من حق الولد علی والدہ ثلاثۃ: یحسُن اسمَهُ و یعلّمه الکتابه و یزوّجه اذا بلغ.
(مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۷۱/۸۰)

از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اسم خوب برایش انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هرگاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.

امروزه در جامعه ما، این دستور اسلامی با موانع بسیاری روبه‌رو است و سنت‌ها و آداب و رسوم دست‌وپاگیر، سد راه ازدواج جوانان شده است. یکی از این موانع، توجه بیش از حد به مسایل مالی و اقتصادی است. بالا بودن هزینه‌های ازدواج، مهریه‌های سنگین، انتظار مسکن مستقل در آغاز زندگی و... قیدوبندهایی است که برگزاری این سنت نبوی را به تأخیر انداخته است. قرآن کریم آشکارا اعلام می‌نماید مبادا از ترس فقر و تنگ‌دستی ازدواج را ترک کنید:

وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و إمائکم ان یکونوا فقراء یغنهم
الله من فضله و الله واسع علیم. (نور: ۳۲)

مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگ‌دست باشید، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده که:

من ترک التزوّج مخافة العلیة فقد اساء الظن بربه لقوله تعالی ان یکونوا فقراء یغنهم

الله من فضله. (صدوق، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳/۳۸۵)

هرکس ازدواج را به دلیل ترس از تنگ دستی ترک کند، گمان بد به پروردگارش برده؛ زیرا خدا در قرآن فرموده است: اگر محتاج باشند، خداوند به فضل خود آنها را بی نیاز می سازد.

توجه قرآن به ازدواج چنان است که برای افرادی که توانایی ازدواج با زنان آزاد را ندارند نیز راه نشان داده و می فرماید:

و من لم يستطع منكم طَوْلاً ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمنكم من فتياتكم المؤمنات و الله اعلم بایمانكم بعضكم من بعض فانكحوهن باذن اهلهنّ.
(نساء: ۲۵)

... و آنهایی که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاک دامن را ندارند، می توانند با زنان پاک دامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید، ازدواج کنند. خدا به ایمان شما آگاه تر است و همگی اعضای یک پیکرید. آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید.

با توجه به ارزش و اهمیت فراوان اسلام برای ازدواج و تلاشی که برای زدودن قیدوبندها از ازدواج کرده، دختر یا پسر هر زمان که احساس نیاز به ازدواج کرد، باید بدون هیچ مانعی ازدواج نماید. تأکید اسلام بر مهریه سبک، لازم نبودن شاهد در زمان جاری نمودن خطبه عقد و...، راهکارهای اسلام برای برگزاری ازدواج آسان است.

اسلام همان گونه که در انتخاب همسر به دقت سفارش می کند و به مسلمانان گوشزد می کند که دقت نمایند از چه خانواده‌ای زن می گیرند یا به چه خانواده‌ای دختر می دهند و چه کسی را برای همسری برمی گزینند، پس از انتخاب همسر، برگزاری ازدواج آسان را بهتر دانسته است. والدین نیز وظیفه دارند با دادن بینش صحیح به فرزندان درباره انتخاب همسر شایسته و متعادل نمودن انتظارات، نداشتن توجه افراطی به مادیات و کنار گذاشتن بهانه‌های بی جا و سخت گیری‌های بی مورد، زمینه ازدواج موفق، آسان و کم هزینه فرزندان را فراهم نمایند. اگر ازدواج، از آداب و رسوم نادرست و پرهزینه جدا شود و سن ازدواج به حد معقول و مشروع خود برسد و جوانان بتوانند در زمان نیاز ازدواج کنند، بسیاری از کژی‌های اخلاقی و مفسد اجتماعی مانند دوستی‌ها و روابط نامشروع با جنس مخالف از ریشه می خشکد و جامعه به سمت سلامت و آسایش پیش می رود. رهبر معظم انقلاب،



حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز می‌فرماید:

ازدواج برای جوان‌ها لازم است و جوان‌ها هم آن را می‌خواهند، اما موانعی هم وجود دارد... عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، تجمل‌طلبی‌ها... اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام بدهند، فکر می‌کنم که خیلی مشکلات حل خواهد شد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

این تأکید و بی‌پرده‌گویی آیات و روایات در مورد ازدواج، به علت تأثیر مثبت و غیر قابل انکار آن در سالم‌سازی روحی و جسمی فرد و خانواده و جامعه است. فقها نیز ازدواج را در صورت به گناه افتادن مجرد، واجب دانسته‌اند و می‌گویند: «کسی که به واسطه نداشتن زن، به حرام می‌افتد، واجب است زن بگیرد». (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ۲، ۴۹۳)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

✽ قرآن کریم

✽ نهج البلاغه

۱. احمدی، محمدرضا. (۱۳۸۶). روابط پسر و دختر. قم: معارف.
۲. احمدی، علی اصغر. (۱۳۷۸). تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۳. افروز، غلامعلی. (۱۳۷۸). چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی (کاربردی). تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۴. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۸۳). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه هاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. باقری، خسرو. (۱۳۷۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
۶. بیانات مقام معظم رهبری و پرسش در جمع دانشجویان و دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ۱۳۷۹/۱۲/۹.
۷. پسندیده، عباس. (۱۳۸۳). پژوهشی در فرهنگ حیا. قم: دارالحدیث.
۸. جمعی از نویسندگان. (بی تا). توضیح المسائل سیزده مرجع. قم: بی تا.
۹. حائری شیرازی، صدرالدین. (۱۳۷۸). راه رشد. قم: دارالصادقین.
۱۰. حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۳۷۴). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. زینتی، علی. (۱۳۸۳). «اسلام و روابط دختر و پسر». فصلنامه کتاب زنان. ۲۴(۶).
۱۲. صدوق، محمدبن علی بن الحسین بابویه قمی. (۱۴۰۴ ه. ق). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: الاعلمی.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۸ ه. ق). اصول کافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ه. ق). بحار الأنوار. بیروت: الوفاء.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.





پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی